

Original Article

Income on the Ratio of Economic Corruption and Political Development and Civil Rights and Human Rights (With Emphasis on the Islamic Republic of Iran in the Years 1989-2013)

Ali Mohammadi¹, Ali Asghar Zargar^{2*}, Ali Akbar Amini³

1. PhD Student of Political Science, Tehran Branch, Islamic Azad University of Tehran Central, Tehran, Iran.

2. Faculty Member of Islamic Azad University, Central Tehran, Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: A_ZArgar2003@yahoo.com

3. Faculty Member of Islamic Azad University, Central Tehran, Tehran Branch, Tehran, Iran.

Received: 2 Sep 2018 Accepted: 15 Mar 2019

Abstract

Corruption is considered to be one of the main challenges of Islamic Republic of Iran. This challenge particularly in economic, administrative and social domains has given rise to numerous difficulties. For example, in the domain of citizenship rights it has led to the creation of discrimination, social and political inequalities, lack of accountability before the citizens and also the lack of suitable mechanism for dealing with the economic and political crimes. The current essay is an effort for studying the most important representations of corruption after Revolution and providing the required solutions for its prevention. For this reason the following questions are raised: what are the effects of corruption on citizenship rights in Islamic Republic of Iran? What are the legal and practical solutions for each one of them? According to the results of the present study, development and expansion of freedoms mentioned in the Constitution, recreation of the role and place of the Inspection Organization and Administrative Supreme Court as well as avoiding parallel works in the institutions and decisive fight against corruption can prevent from the corruption in a desirable way and protect the citizenship rights. The present study takes advantage of descriptive-analytic method and its data have been gathered via library studies.

Keywords: Corruption; Citizenship Rights; Islamic Republic of Iran; Economic-Social Rights; Political Rights

Please cite this article as: Mohammadi A, Zargar AA, Amini AA. Income on the Ratio of Economic Corruption and Political Development and Civil Rights and Human Rights (With Emphasis on the Islamic Republic of Iran in the Years 1989-2013). *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 139-151.*

تبیین آثار فساد در عدم تحقق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و راه‌کارها

علی محمدی^۱، علی‌اصغر زرگر^{۲*}، علی‌اکبر امینی^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: A_ZArgar2003@yahoo.com

۳. عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۴

چکیده

فساد یکی از چالش‌های اساسی پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این چالش مخصوصاً در حوزه‌های اقتصادی، اداری و اجتماعی مشکلات فراوانی را پدید آورده است. از جمله این که در حوزه حقوق شهروندی باعث ایجاد تبعیض، نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی، عدم رسیدگی به مشکلات شهروندان و همچنین فقدان ساز و کار مناسب برای برطرف کردن جرائم اقتصادی و سیاسی شده است. پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی مهم‌ترین بازنمودهای فساد پس از انقلاب، راه‌کارهای لازم برای پیشگیری و مقابله با آن را نیز مورد بررسی قرار دهد. به همین دلیل این پرسش‌ها مطرح می‌شود که فساد چه آثاری بر حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ و راه‌کارهای قانونی و عملی مقابله با آن کدام است؟ بر اساس نتایج پژوهش حاضر، بسط و گسترش آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، بازآفرینی نقش و جایگاه سازمان بازرسی و دیوان عدالت اداری و همچنین پرهیز از موازی‌کاری نهادها و مقابله قاطعانه با فساد به شکل مطلوبی می‌تواند جلوی فساد را بگیرد و به حقوق شهروندی را پاسداری نماید. پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی بهره می‌برد که به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نموده است.

واژگان کلیدی: فساد؛ حقوق شهروندی؛ جمهوری اسلامی ایران؛ حقوق اقتصادی - اجتماعی؛ حقوق سیاسی

مقدمه

فساد همواره یکی از مشکلات جدی در ایران بوده است، به طوری که با توجه به حجم کلان اقتصاد دولتی و انحصاری و رانتی، درجه پایین رقابت، عدم شفافیت و پاسخگویی، بوروکراسی پیچیده و ناکارآمد و همچنین چالش‌های گسترده در عرصه تعامل با نهادهای بین‌المللی، شاهد گسترش فساد در بخش‌های مختلف کشور هستیم. به علاوه، مسأله فساد، بر موضوع حقوق بشر و مخصوصاً ابعاد سیاسی آن تأثیر می‌گذارد و از نظر داخلی و خارجی باعث ایجاد مشکلاتی برای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌شود. برخی آمارها نشان می‌دهند که وضعیت فساد در کشور بهبود چندانی نیافته است. به عنوان مثال، سازمان شفافیت بین‌الملل در گزارش، «شاخص ادراک فساد ۲۰۱۷»، آمارهای جالبی در این زمینه ارائه کرده است. مطابق این گزارش، ایران توانست با کسب نمره ۳۰ در جایگاه ۱۳۰ در میان ۱۸۰ کشور بایستد. این در حالی است که در گزارش سال گذشته [۲۰۱۶] با وجود ۱۷۶ کشور مورد بررسی، ایران با نمره ۲۹ در جایگاه ۱۳۱ ایستاده بود. در میان ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز جایگاهی بهتر از رده سیزدهم برای ایران به دست نیامده است، البته نمره شاخص فساد ایران در سال‌های اخیر روند به نسبت رو به بهبودی داشته است. بر این اساس ایران در سال ۲۰۱۲ نمره ۲۸ و رتبه ۱۳۳ (در میان ۱۷۴ کشور)، در سال ۲۰۱۳ نمره ۲۵ و رتبه ۱۴۴، در سال ۲۰۱۴ نمره ۲۷ و رتبه ۱۳۶، در سال ۲۰۱۵ نمره ۲۷ و رتبه ۱۳۰ و در سال ۲۰۱۶ نمره ۲۹ و رتبه ۱۳۱ را تجربه کرد (۱).

صرف نظر از این‌که گزارش‌ها و نهادهای بین‌المللی چه موضعی در قبال وضعیت حقوق بشر در ایران اتخاذ می‌کنند و این‌که گزارش‌های آنان مبتنی بر واقعیت و یا برآمده از عناد و دشمنی با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، می‌توان به این امر معترف شد که مسأله فساد به طور مؤثری بر وضعیت حقوق بشر در ایران تأثیر می‌گذارد. همچنین این‌که فساد اقتصادی و سیاسی از بزرگ‌ترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه می‌باشد (۲). می‌توان گفت که تأثیر منفی عمیق فساد اقتصادی به طور خاص بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه

توسعه اقتصادی خواهد بود. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بلندمدت، بر روی رشد اقتصادی اثر منفی خواهد گذاشت. همچنین شیوع مفساد اقتصادی در کشور می‌تواند عوارض و پیامدهای منفی بر تخصیص صحیح منابع داشته باشد. فساد اقتصادی، کار تخصیص منابع به وسیله دولت را فلج می‌کند و اولویت‌های اساسی در طرح‌های ملی را به دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌هایی اولویت می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد سازگاری داشته باشند. اینجاست که افراد به سمت فعالیت‌های غیر مولد می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری و سهل الوصول، به جای شکوفاشدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد و نیز از طریق کاهش درآمدهای دولتی، دولت در اجرای طرح‌های عمرانی، اساسی و زیربنایی و نیز پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه ناتوان خواهد شد. با این حال، پژوهش حاضر درصدد است تا تأثیر فساد را بر مقوله حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد.

مفاهیم

۱- فساد

فساد به معنای شکستن و نقض کردن است که از ریشه فرانسوی «Corruption» و ریشه لاتینی «Rumpere» آمده است. سازمان شفافیت بین‌المللی به عنوان نهاد مهمی در جمع‌آوری و توزیع اطلاعات مرتبط با فساد شناخته شده است. شاخص ادراک فساد یکی از چند روشی است که به اتکای آن، سازمان یادشده، این اطلاعات را صورت سیستمی درمی‌آورد (۳). بر اساس تعاریفی که سازمان شفافیت بین‌المللی در این زمینه ارائه داده است، فساد، «سوءاستفاده از قدرت اعطاشده برای انتفاع شخصی» تعریف شده است که این تعریف در اغلب متون مرتبط با این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.

در میان متفکران و مکاتب گوناگون، تعاریف متعددی درباره فساد دیده می‌شود. برخی نیز فساد را سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منفعت شخصی می‌دانند (۴). همچنین در برخی تعاریف دیگر، فساد به یک بیماری تشبیه شده است که

۲- حقوق شهروندی

واژه «حق» در علم حقوق در معانی مختلفی استعمال می‌شود که برخی از آن معانی عبارتند از: حق، عبارت است از توانایی‌ای که شخص بر چیزی یا بر کسی داشته باشد، مانند حق مالکیت، حق پدری، حق فرزندی و... (۹). حق، امری است اعتباری که برای کسی، علیه دیگری وضع می‌شود. در این تعریف با سه عنصر رو به رو هستیم: ۱- کسی که حق برای اوست؛ ۲- کسی که حق علیه اوست؛ ۳- آنچه متعلق حق است (۱۰). با توجه به این موضوع، پدیده‌ها و اصطلاحات مختلفی در کنار حق مطرح می‌شوند که برخی از آنان جنبه بین‌المللی و فراملی دارند. در این زمینه می‌توان به حقوق بشر و حقوق شهروندی اشاره کرد. این دو اصطلاح، علی‌رغم تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، در برخی مفاهیم نیز با هم مشترک هستند. به طور خاص، مفهوم حقوق بشر در اساس از منشور سازمان ملل متحد برگرفته شده است. این منشور در سال ۱۹۴۵، به فاصله اندکی از پایان جنگ جهانی دوم به تصویب رسید. در دیباچه منشور چنین آمده است که سازمان ملل مصمم است که «بر باور خود به حقوق بنیادین بشر در شرافت و ارزش نوع انسان، حقوق برابر مردان و زنان و ملت‌های بزرگ و کوچک دوباره تأکید کند.» در سال ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد. در این اعلامیه، فهرستی از حقوق بشر «به عنوان معیارهای مشترک که همه انسان‌ها باید به آن‌ها دست یابند» اعلام شده است. این فهرست شامل حقوق مدنی و سیاسی همچون رهایی از بردگی، شکنجه، بازداشت خودسرانه، توقیف و همچنین آزادی دین، آزادی بیان، آزادی برپایی انجمن و شمار دیگری از حقوق اقتصادی - اجتماعی است (۱۱).

مفاهیم مطرح‌شده در حقوق بشر، کمابیش در حقوق شهروندی نیز مطرح می‌شوند، با این تفاوت که حقوق شهروندی، مقوله‌ای داخلی و مربوط به قوانین داخلی کشورها می‌باشد، هرچند در مباحث شهروندی جهانی می‌توان از مبحث شهروندی جهانی نیز سخن به میان آورد. جایی که دو مقوله حقوق بشر و حقوق شهروندی به هم می‌رسند، زیرا مهم‌ترین جنبه حقوق بین‌الملل از نقطه نظر حکومت

ساختار اجتماعی را به شدت مورد تهدید قرار می‌دهد (۵). برخی نیز فساد را استفاده غیر مجاز از قدرت عمومی برای منافع خصوصی تعریف می‌کنند (۶). در برخی دیگر از تعاریف، فساد از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. در این رویکرد، فساد عبارت است از سوءاستفاده از امکانات عمومی برای نفع شخصی. در رفتار مفسدانه، فرد از اختیارات و امکاناتی که با توجه به مقام و منصبش به او داده شده، سوءاستفاده کرده و از طریق آن‌ها منافع شخصی‌اش را تحقق می‌بخشد. بر این اساس، مواردی چون رشوه‌گرفتن، اخاذی، کلاه‌برداری، اختلاس، خویشاوندگاری، پارتی‌بازی و اعمال نفوذ بر دیگران، همگی از مصادیق فساد به شمار می‌روند که برخی به صورت انفرادی (مانند کلاه‌برداری و اختلاس) و برخی دیگر نیز به صورت گروهی و با مشارکت طرف مقابل (مانند رشوه‌گرفتن یا اعمال نفوذ) (۷).

در متون دینی از جمله قرآن کریم به طور مکرر از نفی فساد و ضرورت پرهیز مؤمنان از آن تأکید شده است. جایی که بیان شده است: «... وَ لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ ... و در زمین فساد نکنید» (۸).

با توجه به این‌که نظام حقوقی و قانونی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از آموزه‌های دینی و اسلامی است، بالطبع قوانین مقابله با فساد نیز منبعث از همین آموزه‌ها می‌باشند. در همین راستا، در قانون نظام سلامت اداری نیز تعریف فساد چنین آمده است: «فساد عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعلی که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیر مستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید، نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیر قانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیر قانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی.»

فساد و حقوق شهروندی

۱- فساد و حقوق شهروندی در سطح جهانی

علی‌رغم تحولات گسترده‌ای که در عصر ارتباطات شکل گرفته است و اغلب نظام‌های سیاسی جهان به سمت دموکراسی‌سازی به پیش رفته‌اند، مشکلات شهروندی در عرصه‌های گوناگون همچنان پا بر جاست، به طوری که می‌توان گفت فقر، بهداشت ضعیف، امید به زندگی پایین و توزیع نابرابر درآمد و ثروت در سراسر جهان همه‌گیر شده‌اند (۱۶). بنابراین مشکلات شهروندان در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و مدنی که به عنوان ارکان اصلی شهروندی محسوب می‌شوند، همچنان دغدغه‌ای جهانی محسوب می‌شود.

بخش اعظمی از مشکلات شهروندی در سراسر جهان به مسأله فساد در میان کشورهای مختلف مربوط می‌شود که هر یک از این کشورها دارای دلایل خاصی در زمینه رشد و گسترش فساد در میان شهروندان خود هستند. به همین دلیل، مقابله با فساد در کشورهای مختلف و همچنین ایجاد ساز و کارهایی برای مقابله با آن یکی از برنامه‌های اصلی سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان شفافیت بین‌المللی است. بدین ترتیب در کنار مسائل توسعه، علاقه رو به رشد راجع به سیاستگذاری‌های مبارزه با فساد نتیجه چند عامل دیگر بوده است: نخست عواقب منفی فساد بر کشورهای فقیر، نهادهای مالی بین‌المللی دیگر بیش از این نمی‌توانستند از این مشکل چشم‌پوشی کنند، چراکه اگر فساد در مدیریت‌های داخلی، منابع را منحرف سازد، بیشتر کمک‌های توسعه‌ای و استراتژی‌های ضد فقر محکوم به شکست می‌شوند. بنابراین نهادهای مالی بین‌المللی برخورد با فساد را به عنوان مؤلفه اساسی برنامه‌های توسعه خود شروع نموده‌اند (۱۷).

مشکلات شهروندان در کشورهای مختلف، بسیار متنوع و گسترده هستند. به عنوان مثال، مشکلات بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی در زمره مشکلات جهانی هستند که در اغلب کشورها به چشم می‌خورند. در این میان، آموزش و بهداشت بسیار حائز اهمیت هستند، زیرا آموزش و بهداشت یک فرد، او را قادر می‌سازند که خیلی از کارها را بتواند انجام دهد - به جز

دموکراتیک جهان وطنی، موافقت‌نامه‌های حقوق بشر است. (۱۲). با این حال، شهروندی دارای عناصر خاص خود است. شهروندی مرکب از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شود، بسیار مفید و به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است (۱۳). شهروندی به معنای بهره‌مندی مردم یک سرزمین از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که به طور قاطع توسط قانون داخلی حمایت می‌شوند، ضمن این‌که شهروندی مفهومی پویا است و با توجه به تحولات زمانه، عناصر آن تغییر می‌کنند. این امر هم‌اکنون در سایه گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار گرفته است.

ضمن این‌که امروزه، نهادها و سازمان‌های فراملی نیز گسترش یافتند و هر یک از آنان به طرح مسائل خاصی در حوزه حقوق شهروندی مبادرت ورزیده‌اند. این دگرگونی در جامعه سیاسی پیامدهای آشکاری برای شهروندی دارد. جوامعی که به طور هم‌زمان جهانی‌تر و متکثرتر شده‌اند، نیازمند اشکال جدید حکمرانی و حکومت‌داری هستند تا هم مسائل جدید (مانند گرم‌شدن جهان) را حل و فصل کنند و هم تغییری در روش‌های مربوط به مسائل قدیمی (مانند قواعد مربوط به بازارهای مالی یا ابداع و اجرای استانداردهای بهداشتی و امنیتی) بدهند (۱۴)، در نتیجه گروه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قومی متعددی پدید آمده‌اند که هر یک بر شکل خاصی از شهروندی تأکید می‌کنند و حقوق گروهی و محلی خود را مطرح می‌کنند. این امر بیش از هر چیز توسط رسانه‌ها و با شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید گسترش یافته است، چنانچه جنبش‌های اجتماعی همراه با به چالش کشیدن محرومیت آن دسته از گروه‌های اجتماعی که با معیار سفیدپوست، دگرجنس‌خواهی و ریاست مرد بر خانه موافق نبودند، ایده شهروندی جهان‌شمول واحد را نیز که مربوط به یک رشته حقوق واحد برای همه شهروندان بود، به چالش کشیدند (۱۵).

دولت‌های مذکور شود و به مثابه عامل ضد توسعه عمل نماید (۲۰).

در مباحث حقوق شهروندی در کشورهای رانتي، این‌گونه استدلال می‌شود که فساد یکی از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر اقتصاد و سیاست‌ورزی متمرکز است. در نظریه دولت رانتي این عقیده مطرح است که یکی از ویژگی‌های رایج و مشترک در دولت‌های صادرکننده نفت، ضعف و قابلیت پایین دستگاه بوروکراسی دولت در سطوح مختلف است که بی‌تردید اثری به شدت منفی بر کارنامه عملکرد دولت در کمک به توسعه بر جا می‌گذارد. ریشه‌های این ضعف را در هم‌زمان‌شدن ورود درآمدهای نفت و پایه‌ریزی نظام بوروکراتیک دولت در کشورهای نفت‌خیز می‌توان مشاهده کرد (۲۱). این مسأله به وضوح در ادوار مختلف جمهوری اسلامی در نزد دولت‌های مختلف دیده می‌شود، به طوری که می‌توان بخش اعظمی از فساد شکل‌گرفته در دولت‌های مختلف را ناشی از همین علت دانست.

در زمینه ایجاد فساد در جامعه و شکل‌گیری روابط نابرابر میان شهروندان باید چنین گفت که انتقال و توزیع این‌گونه رانت‌ها میان گروه‌های مختلف ذی‌نفع، علاوه بر این‌که ارزش اجتماعی ایجاد نمی‌کند، اثر اقتصادی - اجتماعی مهم‌تری نیز می‌تواند داشته باشد (۲۲). این اثر اقتصادی باعث دسترسی قشری خاص به منابع اقتصادی می‌شود که در نهایت فساد اداری، پارتی‌بازی، رشوه و زد و بندهای گسترده را ایجاد می‌کند. همچنین در ساختار اجتماعی، نفت و رانت باعث تضعیف نهادهای مردم‌سالار شده است که به نوبه خود حقوق سیاسی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع استفاده از رانت در این راستا می‌تواند حمایت اکثریت نخبگان غیر حاکم و گروه‌های جامعه را از دولت رانتي تضمین کند و در نتیجه، از بروز هرگونه چالش با قدرت دولت جلوگیری نماید (۲۳).

علاوه بر مسائل مربوط به ساختار متمرکز و رانتي اقتصاد کشور، خلیات و عوامل روانی ایرانیان نیز نقش مهمی در شکل‌گیری فساد در میان شهروندان دارند که در نهایت باعث نابرابری در جامعه می‌شود. در هر صورت، تحقیقات و

این‌که تحصیل‌کرده و سالم باشد - که آن‌ها نیز ارزشمند هستند. به عنوان مثال، آن‌ها می‌توانند در گرفتن یک شغل و به طور کلی‌تر در بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی حائز اهمیت باشند. افزایش حاصل از درآمدها و ابزار اقتصادی، به نوبه خود، به آزادی‌های فرد در به دست‌آوردن کارکردهایی که برای آن‌ها ارزش قائل است، می‌افزاید (۱۸).

با این حال، مسأله حقوق شهروندی در سطح جهان، تحت تأثیر فساد فردی، اجتماعی و حتی فساد سیستماتیک در بسیاری از کشورها قرار گرفته است. به طور کلی، فساد به توزیع نابرابر درآمد می‌انجامد که خود یکی از عوامل اصلی نابرابری در دستیابی به حقوق شهروندی است. به طور مثال، در یک نظام اقتصادی فاسد، کسانی که از ارتباطات و زد و بندهای ویژه‌ای سود می‌برند، از شانس بیشتری برای استفاده از رانت اقتصادی و یا انحصارهای خاص برخوردار خواهند بود و از این طریق می‌توانند به ثروت‌های هنگفتی دست پیدا کنند. چنین ثروت‌های بادآورده‌ای به طور حتم به بهای کاهش درآمد سایر اقشار جامعه تمام خواهد شد و این یعنی افزایش شکاف طبقاتی و درآمدی (۱۹).

۲- فساد و حقوق شهروندی در ایران

به دلایل متعددی از جمله حاکمیت اقتصاد دولتی و تداوم دسترسی دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران به منابع نفتی، اقتصاد متمرکزی در ایران شکل گرفته است که باعث تمرکزگرایی در منابع، سیستم اداره کشور و همچنین توزیع ناعادلانه منابع میان شهروندان شده است. همین مسأله، ابعاد مختلف شهروندی از جمله حقوق سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و مدنی را تحت تأثیر خود قرار داده است و باعث ایجاد فساد شده است. به عبارتی باید گفت، اقتصاد متمرکز و نفتی در ایران باعث ایجاد رانت شده است که این امر به نوبه خود باعث ایجاد فساد و تزییع حقوق شهروندان در عرصه‌های مختلف می‌شود، چه این‌که نظریه‌پردازان دولت رانتي استدلال می‌کنند عواملی نظیر فقدان پاسخگویی، ضعف حاکمیت قانون و شفاف‌نبودن هزینه‌ها در دولت‌های متکی به منابع زیرزمینی موجب می‌شود تا فساد اقتصادی و اداری، پیامد اجتناب‌ناپذیر

تبعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نامطلوبی به دنبال داشته باشد. همچنین این‌که در زمینه اقتصادی، ضریب جینی به عنوان شاخصی از نابرابری درآمدی نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ بین ضریب جینی و جرائم اختلاس، ارتشا و جعل، سرقت، تصرف عدوانی و مزاحمت و صدور چک بلامحل رابطه مثبت وجود دارد، به این معنا که با افزایش ضریب جینی - که بیانگر افزایش نابرابری درآمدی است - تعداد پرونده‌های مربوط به جرائم مذکور نیز افزایش یافته و با کاهش ضرب جینی تعداد آن‌ها کاهش پیدا کرده است (۲۷).

بدین ترتیب هرچند که مسأله میزان و علل ایجاد فساد و تأثیر آن بر مقوله شهروندی در جمهوری اسلامی ایران محل بحث و چالش‌های متعددی است، اما این مسأله کم‌تر محل تردید است که وجود چنین چالش‌هایی باعث شده تا نهادها، قوانین و ساز و کارهای مختلفی برای مقابله با این پدیده در سطوح مختلف نهادهای اداره کشور شکل بگیرند.

ساز و کارهای داخلی برای مقابله با فساد در حوزه

حقوق شهروندی

۱- ساز و کارهای عمومی برای مقابله با فساد در حوزه

حقوق شهروندی

برای مقابله با فساد در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران جهت بهبود وضعیت حقوق شهروندی می‌توان از رویکردهای عمومی که غالباً در نقاط مختلف جهان استفاده می‌شوند، بهره برد. توضیح این‌که در عصر کنونی ضرورت پاسخگویی در ساختار یک دولت دموکراتیک بر این فرض اساسی استوار است که هر یک از شهروندان این حق را دارند که فرد یا گروهی را در تشکیلات اداری بیابند که مسؤولیت عمل کارکنان از سطوح پایین تا بالای سازمان را بر عهده گیرد و خود را در برابر آن مسؤول بداند. در واقع سیستم پاسخگویی نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کند که ارتباط بین سطوح مختلف را به وجود می‌آورد. سیستم پاسخگویی، بخش اداری دولت را به بخش سیاسی و در نهایت به جامعه وصل می‌کند. فرض بر آن است که تمام اقدامات دولت در نهایت همان اقدامات شهروندان است که از طریق نمایندگان انجام می‌شود. به

نظرسنجی‌های ملی و خصوصاً بین‌المللی از جمله سازمان شفافیت بین‌الملل و بانک جهانی حاکی از آن است که کشور ایران همانند بسیاری از کشورهای اسلامی به رغم داشتن آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، ارزشی و اخلاقی در زمینه فساد از رتبه و جایگاه مناسبی برخوردار نیست و این امر نشان‌دهنده ضرورت انجام اقدامات و سیاستگذاری‌های کلان برای مقابله با فساد و کاهش شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب است (۲۴). بنابراین فساد در سطوح مختلف جامعه باعث شکل گیری روابط نابرابر میان شهروندان شده است که همین امر ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی شهروندی را با چالش رو به رو کرده است. همه روزه از جرایم و رسانه‌هایی نظیر تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی اطلاعات گوناگونی در زمینه فساد در جامعه ما مشاهده می‌شود که برخی از آنان در سطوح پایین و برخی نیز در حجم بسیار گسترده قابل مشاهده هستند. به عنوان مثال می‌توان به فساد اداری در روابط دولت و شهروندان اشاره داشت که مهم‌ترین آن‌ها شامل این موارد است: فساد در ارائه کالاها و خدمات دولتی، فساد در فروش اموال و املاک دولتی به شهروندان، فساد در خریدهای دولتی از بخش خصوصی، فساد در قراردادهای پیمانکاران بخش خصوصی با دولت، فساد در صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بخش خصوصی، فساد در شناسایی و مبارزه با قانون‌شکنی، فساد مالیاتی و فساد استخدامی (۲۵).

به طور مشخص، طی سال‌های اخیر چند مورد پرونده فساد اقتصادی با رقم‌های بسیار بالا مطرح شده است که در هر کدام از آن‌ها انواع مختلفی از جرائم اقتصادی رخ داده است. پرونده معروف به فساد بانکی سه هزار میلیارد تومانی، پرونده بیمه ایران، پرونده منتسب به میلیارد نفتی با رقم نزدیک به ۳ میلیارد دلار و پرونده فساد بانکی موسوم به ۱۲ هزار میلیارد تومانی از جمله این پرونده‌ها هستند که اشخاص بسیاری در آن درگیر بوده‌اند که بعضاً در زمره مدیران ارشد قرار داشته‌اند. بر این اساس ضرورت پیشگیری از وقوع جرائم اقتصادی و همچنین مقابله با آنان بر کسی پوشیده نیست (۲۶). این‌گونه فسادها در نهایت باعث آثار سوء در میان شهروندان و در نزد افکار عمومی می‌شود که ممکن است

عبارت دیگر لازمه تأمین منافع عمومی، طراحی دقیق یک ساختار پاسخگویی است تا به این ترتیب شهروندان اطمینان حاصل کنند که نهایت تلاش از طرف کسانی که به نام آن‌ها اقدام می‌کنند، به عمل آمده است. در ساختار بخش دولتی در یک نظام دموکراتیک دو نوع پاسخگویی وجود دارد. عدم مشارکت فعال مردم در اداره امور کشور و فقدان دموکراسی اقتصادی و ضعف در دموکراسی سیاسی که این‌ها می‌تواند از عامل تأثیرگذار بر دموکراسی و از موانع توسعه سیاسی باشد (۲۸). به همین دلیل توصیه عمومی این است که کشورهای مختلف برای مقابله با فساد در عرصه‌های مختلف حیات شهروندی، شفافیت و پاسخگویی را سرلوحه کار خویش قرار دهند و از نهادهای مدنی و مردم‌نهاد به عنوان ابزارهایی برای بهبود وضعیت شهروندان بهره ببرند، چه این که اعمال نظارت بر قدرت سیاستمداران و نهادهای سیاسی همراه با نظارت و اقدامات مستقل از فشارهای گوناگون می‌توانند راهبردهای قدرتمند برای مبارزه با فساد باشند. در یک حکومت مردمی، این محدودیت‌ها شامل تفکیک قوا بین قوای مقننه و مجریه است. یک نظام قضایی و نظام پیگرد مستقل و یک ساختار فدرالی می‌توانند قدرت رهبران سیاسی را محدود سازند (۲۹)، چنانچه اصول تفکیک قوا، همراه با نظارت نهادهای مختلف در چارچوب قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه از جمله راه‌کارهایی است که برای مقابله با فساد و بهبود وضعیت شهروندان در جامعه ایرانی دنبال می‌شود.

در همین راستا، برای مقابله با پدیده فساد، هم در سطح اجرا و هم در سطح قوانین، تلاش‌هایی صورت گرفته است که در واقع به معنای تلاش برای از بین بردن و کاستن از آثار فساد و احقاق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران است.

۲- راه‌کارهای تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان

در زمینه مقابله با فساد، شفاف‌سازی و بهبود وضعیت شهروندان می‌توان ساز و کارهای دیگری را نیز مورد بررسی قرار داد. به طور مثال، اصل نهم قانون اساسی می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند... و در ذیل اصل

می‌گوید: ... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.» همچنین در همین راستا، ماده ۴۸ قانون تعزیرات نیز مقرر می‌دارد: «هر یک از وزا و مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن‌ها داده محروم نمایند، از شغل خود منفصل و از سه تا پنج سال از مشاغل دولتی محروم خواهد شد.» بند ۷ اصل سوم قانون اساسی از جمله وظایف اصلی دولت را: «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» می‌داند. طبق اصل ۲۴ قانون اساسی: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد...».

همچنین در زمینه مقابله با فساد و توجه به حقوق شهروندان، ماده ۳ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ نیز می‌گوید: «مطبوعات نظرات، انتقادات سازنده پیشنهادها توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.» ماده ۶ همان قانون مقرر می‌دارد: «نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند...» همچنین به حکم ماده ۴ همین قانون: «هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.» به علاوه، در جهت تأمین آزادی مشروع مطبوعات، اصل ۱۶۸ قانون اساسی تأکید بر علنی بودن حضور هیأت‌منصفه در محاکمه جرائم مطبوعاتی نیز مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد...» ماده ۳۴ قانون مطبوعات نیز مقرر می‌دارد: «به جرائم ارتكابی وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود» (۳۰).

مقابله با فساد و احقاق حقوق شهروندان می‌بایست به اهداف جدی قوه قضاییه در جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود، زیرا به عقیده صاحب‌نظران، یک دستگاه قضایی صادق و

وکیل از مهم‌ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می‌گردد (۳۴). به نظر می‌رسد به جای پرهیز از موازی‌کاری نهادها و سازمان‌های مختلف در زمینه مقابله با فساد و احقاق حقوق شهروندی، می‌توان به اتخاذ راه‌کارهایی برای اجرایی‌شدن قوانین از سوی دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور در این زمینه اندیشید تا از این طریق بتوان به احقاق حقوق عامه در حیطه شهروندی دست یافت.

هرچند اخیراً و در سال ۱۳۹۵، منشور حقوق شهروندی جهت احقاق حقوق شهروندان در جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیأت وزیران رسیده است و راه‌کارهایی نیز در این زمینه اندیشیده شده است، اما آنچه روشن است این‌که قانون مزبور تنها در سطح مصوبات دولت قابل پیگیری است و ساز و کارهای اجرایی در آن روشن نیست. به علاوه این‌که قانون مزبور در زمره هیچ یک از بندها و اصول قوانین اساسی نیست. از این رو نمی‌توان الزامی در آن مشاهده نمود که سایر دستگاه‌ها و قوا به رعایت آن ملزم شوند. به همین دلیل می‌توان به قانون اساسی و سایر قوانین مصوب گذشته در این زمینه رجوع کرد و نقش نهادهایی مانند سازمان بازرسی و دیوان عدالت اداری را مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال، صلاحیت دیوان عدالت اداری طبق ماده ۱ قانون مزبور به شرح زیر بیان شده است:

- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: ۱- تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آن‌ها؛ ۲- آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آن‌ها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مراجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف، موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری، هیأت‌های بازرسی و کمیسیون‌های

کاملاً محترم نقش ویژه‌ای در مقاومت در مقابل فساد دولت و برقراری حاکمیت قانون می‌تواند ایفا کند (۳۱). به همین دلیل، امروزه رعایت حقوق شهروندی و مقابله با فساد در سطوح مختلف یکی از برنامه‌های اساسی قوه قضاییه محسوب می‌شود. در واقع استقلال قوه قضاییه مهم‌ترین شرط مبارزه با گونه‌های مختلف فساد است، البته پس از آن، عامل قدرت اجرایی و سپس کارایی می‌توانند عواملی باشند که نبرد علیه این پدیده را تکمیل می‌کنند (۳۲).

۳- راه‌کارهای تحقق حقوق قضایی و مدنی شهروندان و مقابله با فساد

علی‌رغم تشکیل نهادهای مختلف و تصویب قوانین گوناگون در زمینه مقابله با فساد، همچنان ضعف‌هایی در این زمینه دیده می‌شود، چنانچه از لحاظ داخلی نیز مجلس شورای اسلامی در حال تدوین طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی است و از طرف دیگر، تعداد قابل توجهی از نهادهای مبارزه با فساد در کشور (مانند دبیرخانه شورای عالی مبارزه با پولشویی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، سازمان بازرسی کل کشور و مرجع ملی و نهاد هماهنگی سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد) وجود دارند که معیارهای علمی جهت ارزیابی عملکرد آن‌ها ارائه نشده است (۳۳). به نظر می‌رسد برای احقاق حقوق شهروندان در حوزه‌های مدنی و سیاسی نیازمند طرح قوانینی جدید و همچنین اتخاذ راه‌کارهای عملی سخت‌گیرانه در این حوزه‌ها هستیم. راه‌کارهایی که هم بتواند بر حقوق خاص شهروندان و ضرورت دفاع از آنان تأکید ورزد و هم وظایف نهادهای مختلف در این زمینه را تبیین و روشن سازد.

بنابراین در کنار مقابله با دانه درشت‌های اقتصادی و سیاسی، می‌توان به اصل حمایت از حقوق قضایی شهروندان نیز توجه نمود تا هزینه‌های ناشی از آزادی شهروندان در حوزه‌های مختلف کاسته شود. امروزه حقوق قضایی بهره‌مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله قضایی، اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب

مالیاتی، شورای کارگاه، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، کمیسیون ماده موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و منابع طبیعی منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها.

- رسیدگی به شکایات قضات و مضمولین قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمین واحدها و مؤسسات مذکور در بند یک و مستخدمین مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آن‌ها محتاج ذکر نام است، اعم از لشکری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی.

- طبق ماده ۲۱ این قانون، «واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و مؤسسات وابسته به آن‌ها و نهادهای انقلابی مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است، اجرا نمایند. در صورت استتکاف مرتکب به حکم دیوان به انفسال از خدمت دولتی و قانونی محکوم می‌شود.»

در کنار قوانین مندرج در دیوان عدالت اداری جهت احقاق حقوق شهروندان و مقابله با فساد در سطوح گوناگون، نهادهای دیگری همچون سازمان بازرسی کل کشور نیز وجود دارند که در صورت محقق شدن ساز و کارهای اجرایی لازم می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. در زمینه شرح وظایف سازمان بازرسی کل کشور - اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد.»

قانون عادی مربوط به حدود و اختیارات و تشکیلات سازمان بازرسی کل کشور در مهرماه ۱۳۶۰ و آیین‌نامه اجرایی آن در آذرماه همان سال به تصویب رسید. رییس سازمان از میان قضات شرع یا قضات دادگستری که حداقل دارای رتبه ده قضایی باشند، توسط رییس قوه قضاییه تعیین می‌شود. بازرسان سازمان نیز از بین قضات یا کسانی که گواهی صلاحیت قضات را دارند، انتخاب می‌گردند. طبق قانون مزبور،

سازمان دو نوع بازرسی انجام می‌دهد: یکی بازرسی مستمر از کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و نهادهای انقلابی... (بند «الف» ماده ۲ قانون) و دیگری بازرسی فوق‌العاده که طبق بند «ب» ماده مزبور: به دستور رییس قوه قضاییه یا به درخواست کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا به تقاضای وزیر یا مسؤول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر مورد دیگری که به نظر رییس سازمان و رییس قوه قضاییه ضروری تشخیص داده شود.

همچنین در نحوه و چگونگی رسیدگی نهادهای مزبور در زمینه حقوق شهروندی، تعامل خاصی میان این دو نهاد نیز دیده می‌شود، چنانچه سازمان بازرسی، شکایات و اطلاعات مردم را نیز دریافت می‌دارد و چنانچه مدلل باشد، رییس سازمان بر اساس آن‌ها بازرسی یا هیأت بازرسی اعزام می‌دارد (ماده ۹ و ۱۰ آیین‌نامه سازمان بازرسی کل کشور). همچنین طبق تبصره ماده ۲ قانون سازمان بازرسی، در بازرسی‌هایی که به دنبال شکایت انجام می‌گیرد، یک نسخه از گزارش مبنی بر تشخیص تخلف توسط سازمان، به دیوان عدالت ارسال می‌گردد که طبعاً دیوان برحسب مورد اقدام به ابطال تصمیم یا اقدام واحد مورد بازرسی خواهد نمود. طبق ماده ۶: «در هر مورد که تعقیب جزایی ضرورت پیدا کند، مراتب به پیشنهاد بازرسی یا رییس هیأت بازرسی از طریق سازمان به دادستانی محل اعلام و تا حصول نتیجه پیگیری شده و در صورتی که خود دادستان و یا حاکم شرع مورد تعقیب قرار گیرند، مراتب سریعاً به رییس قوه قضاییه گزارش تا دستور لازم صادر شود.»

نتیجه‌گیری

فساد تهدیدی برای حقوق شهروندی محسوب می‌شود. به این دلیل که فساد با ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین تضييع حقوق شهروندان به بی‌اعتمادی آنان از نظام سیاسی منجر می‌شود که ممکن است تبعات جبران‌ناپذیری نیز در پی داشته باشند. در جمهوری اسلامی ایران، مسأله فساد، مسأله‌ای اساسی است که به طور مختصر می‌توان به مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری و تداوم آن اشاره کرد:

تشکل‌های حرفه‌ای به صورت نظام‌مند و با منشأ قانونی، تضمین آزادی بیان و استقلال مطبوعات به عنوان بازوی جلوگیری از فساد اداری و تشکیلاتی، تضمین حقوق بشر و حقوق شهروندی، حقوق کار و حقوق زنان و کودکان، بهره‌گیری از امکانات مناسب آموزشی، انعطاف در شیوه اداره و گفتگوی اجتماعی به صورت یک حق مشروع، به رسمیت شناختن نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد مبتنی بر قانون اساسی، ظرفیت‌سازی در انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و توسعه ارتباطات اجتماعی و خلق زمینه‌های مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در آحاد جامعه مبتنی بر معرفی ظرفیت‌های قانون لازم و ضروری است.

قبل از هر چیز، سازمان مستقل مبارزه‌کننده با فساد در کشور مشخص نیست. همچنین تعدد مراکز نظارت و بازرسی و وجود سازمان‌های موازی و عدم هماهنگی و ارتباط سیستماتیک جهت تبادل اطلاعات میان آن‌ها فقدان نیروی انسانی کافی و مجرب و نیز متخصصین اقتصادی - حقوقی به ویژه در مبارزه با مفاسد مالی در سازمان‌هایی، چون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور یکی دیگر از علل تأخیر در مقابله با فساد در حیطه حقوق شهروندی است.

همچنین در سازمان‌ها و نهادهایی که برای این موضوع در نظر گرفته شده‌اند، تناسبی میان امکانات، ابزار و بودجه با وسعت و حیطه مسؤلیت‌های محول‌شده دیده نمی‌شود. از طرفی، حمایت کافی و لازم از سوی مقامات عالی‌رتبه دیده نمی‌شود، به طوری که می‌توان گفت یک عزم سیاسی و همگانی در این زمینه دیده نمی‌شود. همچنین در پاره‌ای مواقع، قدرت و اختیار کافی در برخورد با متخلفان و مرتکبان به مفاسد اداری و اقتصادی مرتبط با مراکز قدرت دیده نمی‌شود. به علاوه، نداشتن توانایی و قدرت قابل قبول در پیگیری موارد کشف‌شده فساد و پرونده‌های تشکیل‌شده در این ارتباط کافی یکی دیگر از چالش‌های پیشرو در زمینه مقابله با فساد و تحقق حقوق شهروندی محسوب می‌شود. ضمن این‌که مناسب و به روز نبودن قوانین و مقررات و همچنین فرهنگ بازرسی‌گریزی حاکم بر دستگاه‌های اداری و تلقی آن به معنای مچ‌گیری به رویه‌ای عادی تبدیل شده است که برای مقابله با آن نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادهایی همچون سازمان بازرسی و دیوان عدالت اداری هستیم.

به نظر می‌رسد تمامی چالش‌های پیش رو، تنها توسط دولتی قابل رفع است که بتواند موانع حقوقی به کارگیری پتانسیل جامعه مدنی را در دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی برطرف سازد. برای برطرف کردن این موانع اقداماتی از جمله فعال‌سازی و احیای انجمن‌ها، اعم از مردم‌نهاد و تخصصی و حرفه‌ای با تدوین سریع در حوزه حقوق شهروندی هستیم. به علاوه، مشورت و رفع موانع حقوقی، درک توان اجتماعی گسترده جامعه مدنی و ظرفیت‌های قانونی آن‌ها، استقلال

References

1. Farsi J. Islam Evolutionary Revolution. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education, Center for Cultural and Scientific Publications; 1391. p.189.
2. Kabir Y. Philosophy of anthropology, Anthropological Foundations. 1st ed. Qom: Religious Publications; 2012. Vol.1 p.144-146, 226.
3. Ricouer P. Theoretical foundations of modernism (collected essays), Ministry of Culture and Islamic Propagation. 2nd ed. Cairo: Chap va Enteshar Organization; 2007. p.24-25.
4. Rabiei A. Long Live Corruption, Political Sociology of Corruption in Third World Governments, Printing and Publishing Organization. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Blish; 2004. p.135-142.
5. Eskandari MH. Foundations of Islamic thought in Islam, Anthropological Foundations. 1st ed. Qom: Institute of Hawzah va Daneshgah; 2014. p.54.
6. Bashirieh H. Barriers to Political Development in Iran. Tehran: Step-by-Step News; 2018. p.165.
7. Ghavam A. Political Development. Tehran: Gomes Publishing; 2011. p.121-132.
8. Badiy B. Political Development. translated by Neqibzadeh A. Tehran: Nasr-ghomes; 2018. p.32.
9. Jafari Nasab SH. Comparison of Anthropological Foundations in Politics from the Point of view of Islam and Secularism. Tehran: Allama Tabatabaei University; 2018. p.21.
10. Haji Hashemi S. Development and Development. Tehran: Nasr; 2005. p.43-50.
11. Armaki A. Theories of Sociology. 5th ed. Tehran: Soroush Publications; 2016. p.20.
12. Sahebddd SMH. Human Rights in Execution of Islamic Penalties. *Journal of International Political Law* 2015; 9(1): 91-114.
13. Talibi MH. Newest theory of natural law criticized. Qom: University of Qom; 2009. p.133-134.
14. Gewirth A. Why There Are Human Rights. Qom: Islamic Press; 1985. p.235-248.
15. Enayat H. Foundations of Political Philosophy in West: From Heraclite to Hobbes. Tehran: Zemestan; 2011. p.152.
16. Sardar Abadi K. Obstacles to the Realization of Political Development in the Period of Reza Shah, First Printing. Tehran: Islamic Revolution Publications Center; 2018. p.134.
17. Holzi H. History and philosophy of science. Translated by Azarang AA. Tehran: Islamic Republic of Iran Broadcasting, Soroush; 2004. p.150.
18. Ansari Rad F. Islamic Human Rights, Policies and Solutions. *Journal of Strategy* 2017; 3: 278-284.
19. Pain M. Dictionary of critical thought. Translated by Yazdanju P. Tehran: Markaz; 2003. p.88.
20. Hobbes T. Leviathan. Translated by Bashiryah H. 1st ed. Tehran: Ney Press; 2001. p.103.
21. Mir Sepasi A. Reflection on Iranian Modernity. Tehran: Tarh-e No; 2005. p.239.
22. Mesbah Yazdi T. Philosophical Lectures. Tehran: Islamic Propagation Organization Press; 1998. p.175.
23. Mehrafarin R. Sassanid Cities. Tehran: SAMT; 2014. p.40-63.
24. Bitz C. Global Fundamental Rights. London: Oxford University Press; 2009. p.89.
25. Rostami B, Karimi F, Hadian Shirazi A. Identification of Factors of Ethical Leadership in Quran and Nahjulbalaghah. *Journal of Ethics* 2014; 4(2): 65-78.
26. Yahyaei F. Process of Transition and Impediments of Development of Democracy in Iran. Tabriz: Author; 2001. p.36-52.
27. Islami H. Islamic Declaration of Human Rights and Problem of Inequalities. *Journal of Human Rights* 2012; 7(2): 360-368.
28. Creek B. Democracy. Translated by Imani P. Tehran: Center publication 2 pagation Organization; 2008. p.198.
29. Niakou'ei A, Behmanesh H. Conflicting players in Syria's crisis: Objectives and approaches. *Seasonal Journal of Foreign Relations* 2012; 5(2): 37-45.
30. Awdah A. Islamic criminal law. Tehran: Iranian Academic Center for Education, Culture & Research; 1993. Vol.3 p.307.
31. Bitz C. Global Fundamental Rights. London: Oxford University Press; 2009. p.89.
32. Sadati M. Measures of Intra-Organizational Efficiency of the Institutions in Charge of Fight against Economic Corruptions. *Journal of Administrative Law* 2015; 11(3): 9-29.
33. Moradkhani A, Khazaei A. Jurisprudential Foundations of Citizenship Rights with an Approach of Political-Social Rights. 1st ed. Tehran: Citizenship Rights Publishers; 2018. p.89.

34. Ritz G. Sociological theory of the contemporary era. Translated by Tholathi M. Tehran: Scientific Publication Institute; 2003. p.474.